زن و پوشش اسلامى

محمدباقر شريعتى سبزوارى

لزوم حجاب از ديدگاه عرف متشرعين

در مقاله پيشين, وجوب حجاب از نظر قرآن و سنت مورد بحث قرار گرفت. اجماع علماى اسلام و سيره مسلمان ها بر لزوم آن نيز روشن است. اينك به فلسفه و دلايل پوشش از نظر عرف شرعى مى پردازيم.

1 ـ پايه و اساس زوجيت در اسلام, بر وحدت و الفت طبيعى و مكتبى استوار است. رعايت حجاب و فرهنگ آن باعث مى شود كه عواطف جنسى و محبت خانوادگى زن و شوهر به يكديگر اختصاص يابد و بيگانگان به هيچ وجه در آن مشاركت نداشته باشند. دين مقدس اسلام در مقام چاره انديشى, از يك طرف پوشيدن مواضع زينت و مراكز جذاب اندام را بر زن واجب كرده و از جانب ديگر, نگاه هاى آلوده به صورت و دست هاى او را حرام دانسته است. تا چه رسد به مواضع زينت و مراكزى كه اگر انسان با نيت پاك هم نگاه كند, جايز نخواهد بود. از اين رو پوشش همواره با حرمت نگاه به مواضع زينت زن توأم مى باشد, زيرا اين مسئله, مقدمه استحكام بنيان خانواده و باعث پيدايش نسل پاك و مطمئن مى گردد.

شايد مرد و زنى نتوانند حداكثر بهره بردارى جنسى را از يكديگر بنمايند, ولى بسيار با هم دوست و مهربان باشند. طبعاً محبت متقابل چنين مرد و زنى باعث صميميت بچه ها با والدين و ساير بستگان خواهد شد.

2 ـ از نظر اسلام پيوند و ايثار متقابل در زندگى خانوادگى بر اساس اتحاد و محبت است, نه قانون و عدالت كه بر محور بيگانگى مردم تنظيم و فرض مى شود; ولى محبت و عواطف متقابل نيز همواره يگانگى را مى طلبد, چرا كه محبت شريكان با مختصر اختلافى از بين مى رود, ولى محبت زوجين حتى بعد از دعوا و مرافعه نيز برقرار است.

انسان به هنگام غضب ديوانه مى شود و عقلش مغلوب و عواطفش مسلوب مى گردد. از اين رو دست به اعمال و گفتار جنون آميزى مى زند. ولى پس از اين كه آتش خشمش فرو نشست, عقل و عواطف مجدداً به صحنه مى آيند و وجدان اخلاقى و دينى, او را سخت مورد ملامت قرار مى دهند. صحيح است كه در جوامع بزرگ, قانون و عدالت اساس سعادت است, اما در اجتماع كوچك خانواده, وحدت و صميميت ركن خوش بختى مى باشد.

عواطف زن و شوهر در كشورهاى غربى غالباً همانند عواطف دو شريك در يك شركت است. به همين دليل با مختصر اختلافى از ميان مى رود, ولى در اسلام پيوند و پيمان زناشويى بر پايه عشق و ايمان استوار است.

خـلـل پذيـر بـود هـر بـنـا كـه مـى بينـى به جز بناى محبت كه خالى از خلل است

پروفسور فيروز در آلمان در ميان جمعى از ايرانى ها مى گفت: بسيارى از آلمانى ها از جنگ دوم جهانى تاكنون آرزو دارند مثل گذشته ها با خانواده و بچه هاى خود سر يك سفره غذا بخورند, اما هنوز موفق نشده اند, چرا كه شالوده خانوادگى شركتى اين گونه ايجاب مى كند. اين يكى از ارمغان هاى فرهنگ غرب است كه متأسفانه شرقى ها سعى مى كنند از آن تقليد كرده, به تمدن غرب نزديك شوند. به جاى آن كه در بعد علمى و صنعتى خود را به آنان برسانند, مى كوشند در بعد فرهنگى و اخلاقى مقلد آنان باشند و اين بسيار فاجعه بار است.

گلوى غرب برون دار چون صداى تمدن

به گوش شرق رسانيد چون نداى تمدن

وفا و عاطفه و رحم و مهر و صدق و صفا

شدند جمله به قربان خاك پاى تمدن

مكن سؤال زتقوا كه او شتاب كنان

وداع كرد و روان گشت در صفاى تمدن

شراب و رقص و ملاقات هاى نامشروع

وفور يافته از پرتو لقاى تمدن

هزار گونه خيانت, هزار فسق و فجور

به هر دقيقه برآيد زلابه لاى تمدن

منطقه عقل و قانون, غير از حوزه عشق و مودّت است; از اين رو اسلام براى استحكام بناى زوجيت و بقاى دوستى متقابل, چاره جويى هايى را اعلام داشته است:

1 ـ اگر مرد بترسد از اين كه نتواند ميان زنان عدالت برقرار كند حق ندارد يك زن بيشتر بگيرد.

2 ـ ارتباط نامشروع, از گناهان كبيره است.

3 ـ معاشرت با زنان اجنبى, قلب را از نور ايمان تهى مى سازد و عاطفه و رقت قلب را تضعيف مى نمايد.

4 ـ اگر معاشرت با اجنبى به روابط نامشروع كشيده شود, گفت و گو و معاشرت مقدماتى آن حرام خواهد بود.

5 ـ گفت و گوهاى غير ضرورى با زن هاى نامحرم, جايز نيست.

6 ـ بر اساس آيه قرآن كه مى فرمايد: (اگر از زنان پيامبر چيزى خواستيد, از پشت پرده بخواهيد)1, بهتر است اين موضوع از سوى همه بانوان اسلامى رعايت گردد, چرا كه تجربه نشان داده اختلاط و معاشرت با زنان اجنبى غالباً به فساد و انحلال خانواده ها منجر گرديده است. به ويژه اگر حجاب ظاهرى و فرهنگ آن مراعات نگردد, مفسده آن بيشتر خواهد بود.

7 ـ چشم چرانى و نگاه هاى مكرر زنان و مردان به يكديگر جايز نيست. البته اگر مردى بخواهد با زنى ازدواج كند, هر كدام مى توانند به مواضع زينت ديگرى نگاه كند تا طرف مقابل را دقيق تر بشناسد.

ويل دورانت مى نويسد: (در رفتار انسان امرى پايدارتر و ثابت تر از نگاه مردان به زنان نيست. ببين اين جانور مكّار چگونه مراقب شكار خويشتن است, در حالى كه خود را به خواندن روزنامه مشغول داشته است. گوش به گفتارش فرا دار, ببين چگونه در باره صيد جاودانى سخن مى گويد. خيال و تصورش را در نظر آر كه چگونه پروانه وار به دور شمع مى چرخد, چرا؟ اين امر چگونه صورت مى گيرد؟ ريشه هاى اين ميل عميق در چيست؟ و چه مراحلى را مى پيمايد تا به مرحله شكوه و جنون خود مى رسد. )2

آرى, هر نگاه آلوده تيرى از تيرهاى نافذ شيطان است كه دل را سياه مى كند و به عشق و جنون منتهى مى شود و محبت خانوادگى را تضعيف و عشق اجنبى را جايگزين مى سازد. قرآن مى فرمايد: (و قل للمؤمنين يَغُضُّوا من ابصارِهِم;3 به مؤمنان بگو: از چشم چرانى و نگاه هاى آلوده برحذر باشند و عفت خويش را پاس دارند, چرا كه اين امر براى تزكيه آنها بهتر است. )

8 ـ به بانوان دستور داده شده است كه زيبايى هاى زنان ديگر را براى شوهرانشان تعريف نكنند. نگويند زن فلانى صداى خوب و اندام متناسبى دارد, چون اگر شوهر بد سگالى داشته باشند, تحريك خواهد شد و چه بسا ممكن است به فروپاشى كانون خانواده شان بينجامد.

حد و مرز حجاب از نظر اسلام

عالمان شيعه و سنى در ضرورت اصل پوشش و حجاب زن, اختلافى ندارند, اما در حد و مرز آن اقوال مختلفى مطرح كرده اند. براى رفع اين اختلافات, مى توان تعريف جامعى ارائه نمود كه با همه نظرات سازگار باشد و آن اين كه: حجاب زن عبارت است از پوشش كامل اندام از سر تا پا به استثناى صورت و دست ها تا مچ. 4

بسيارى از فقها و عالمان دينى, به همين دليل, نگاه به صورت و دست هاى بانوان را جايز شمرده اند. مرحوم آية الله حكيم (قدس سره) مى نويسد: تمام فقيهانى كه به جواز نگاه كردن به صورت و دست هاى بانوان فتوا داده اند بر اين باورند كه پوشيدن كف و وجهين, واجب نيست.

حضرت امام (قدس سره) در تحرير الوسيله مى فرمايد: (در اين كه بر مردها حرام است به موها و ساير قسمت هاى بدن و اندام زن ها غير از صورت و دست ها بنگرند, ترديدى نيست, خواه به قصد لذت باشد و يا بدون آن.) 5

شهيد مطهرى (ره) نيز مى نويسد: (در ميان فقهاى پيشين حتى يك نفر ديده نشده كه به وجوب پوشيدن دست و صورت فتوا داده باشد. )6

البته هر فقيهى كه به وجوب پوشش سر و گردن فتوا داده, به حرمت نگاه نيز نظر داده است. مرحوم آية الله سيد محمد كاظم طباطبائى يزدى صاحب عروة الوثقى مى نويسد: واجب است زن تمام بدن خود را از نامحرمان بپوشاند, مگر دست ها و صورت را.

مرحوم حكيم مى فرمايد: شيخ طوسى در كتاب هاى خود به اين امر تصريح نموده و گروهى از متأخران مانند شيخ انصارى بدان فتوا داده اند. 7

از محتواى كلام علاّمه حلّى در (تذكره) چنين مفهوم مى شود كه ايشان نيز پوشيدن وجه و كفين را واجب نمى داند, بلكه واجب نبودن آن را اجماعى مى شمارد. وى همچنين در كتاب (الصلوة) بحث (ملابس) مى فرمايد: (به اجماع علماى اسلام, تمام بدن زن به جز چهره وى عورت مى باشد و پوشيدن آن واجب است. تنها كسى كه اشكال كرده, ابا بكر بن عبد الرحمن بن هشام, از علماى اهل سنت است كه اجماع عالمان سنى و شيعى, نظريه او را طرد مى كند.

از نظر عالمان دينى, دست ها از اين حكم مستثنا مى باشند. مالكى, شافعى و اوزاعى نيز با اين رأى موافق اند, چرا كه مطابق با تفسير ابن عباس است. وى در باره آيه (لا يُبديَن زينَتَهُن ّ اِلاّ ما ظَهَرَ مِنها)8 گفته است: مقصود از زينت ظاهرى, همان دست و صورت است.

برخى از علماى سنى معتقدند تنها صورت زن جزء زينت ظاهر مى باشد, ولى دست ها بايد پوشانده شود.

پوشاندن پاهاى بانوان فقط در نماز واجب است, اما ابو حنيفه, ثورى و مزنى به عدم وجوب پوشيدن آن, رأى داده اند, چرا كه پاها معمولاً پوششى نداشته است. ولى امام شافعى و مالكى و اوزاعى و ابو ثور, آن را جزو عورت دانسته و پوشيدنشان را واجب مى دانند. 9

از آن جايى كه عالمان اسلامى مسئله ستر و پوشش زن را در بحث نماز مطرح كرده اند ناگزير به آن اشاره مى كنيم. البته ملازمه اى بين پوشش در نماز و خارج از نماز وجود ندارد.

حنفى ها معتقدند كه بانوان در حال نماز و غير آن بايد روى دست ها و زير پاها را از نگاه نامحرمان مخفى نگه دارند, ولى شافعى و مالكى عكس آن نظر داده اند. بر بانوان واجب نمى دانند كه در نماز صورت و دست ها را بپوشانند. حنفى ها تنها صورت را جايز مى دانند كه در حال نماز پوشيده نباشد, چنانچه در برابر نامحرم نيز واجب نمى دانند پوشيده باشد, ولى شيعه معتقد است: هر قسمتى كه پوشاندن آن در نماز, واجب باشد, پوشاندن آن در برابر نامحرمان نيز واجب است; ولى اگر در نماز پوشاندن آن واجب نباشد, در مقابل نامحرمان نيز واجب نيست.10

شكل پوشش

اسلام مدل و شكل خاصى را براى حجاب پيشنهاد نكرده, بلكه تنها بر اصل پوشيدن مواضع زينت و نقطه هاى جذاب اندام تأكيد كرده است. شكل و نوع لباس و پوشش به شرايط اجتماعى و فرهنگى جامعه بستگى دارد. هم اكنون در ايران چندين نوع پوشش وجود دارد: از روسرى هاى تركمنى گرفته تا بلوچى و كردى و پوشش قسمتى از بانوان لرستانى و لباس عشايرى و… , هر كدام از آنها كه موى سر را بپوشاند مى تواند حجاب اسلامى مطلوب باشد. البته چادر يك پوشش كامل ملى و ايرانى است كه مطابق با حكم اسلامى نيز مى باشد.

در ساير كشورهاى اسلامى نظير پاكستان, هند, تركيه و… پوشش هاى مختلفى براى حجاب وجود دارد, اما آنچه مورد نظر شارع است, پوشش موهاى سر و مواضع زينت و اندام به جز صورت و دست ها مى باشد; امّا شكل پوشش و مدل آن را به خود مسلمان ها موكول كرده است.

حدود پوشش

اجماع علماى شيعه و اكثر قريب به اتفاق اهل سنت معتقدند كه بانوان بايد تمام بدن و اندام خود را از نامحرمان بپوشانند, ليكن اكثر فقهاى شيعه و سنى, گردى صورت و دست ها را استثنا كرده اند.

دلايلى اين نظريه را تأييد مى كند:

1 ـ با ظاهر آيه (و لا يُبدينَ زينَتَهُن ّ الاّ ما ظَهَرَ منها)11 سازگار است. اكثر علما زينت ظاهر را به دست و صورت تفسير كرده اند;

2 ـ همچنين با وجوب باز بودن گردى صورت بانوان در حال احرام تناقض ندارد, چرا كه شارع مقدس هرگز در چنين مواقعى حرام خدا را حلال نمى كند. صحيح است كه در حالت احرام, بسيارى از حلال ها را به طور موقت حرام اعلام نموده است, ولى هرگز حرام را جز در موارد اضطرار, حلال نمى داند;

3 ـ در تاريخ آمده است كه سلمان با حضرت رسول(صلى الله عليه و آله)به خانه فاطمه زهراے وارد شدند. سلمان مى گويد: دست هاى فاطمه را ديدم كه متورم شده بود. نظير اين واقعه از جابر بن عبد الله انصارى نيز نقل شده است كه به صورت فاطمه زهرا ے نگاه كرد, در حالى كه از شدت گرسنگى زرد شده بود. 12

بعضى از فقها مى گويند زنان مجاز هستند صورت و دست هاى ساده و بدون آرايش خود را نپوشانند, ولى اگر آرايش كرده باشند, حتى المقدور بايد آن را از نامحرم بپوشانند. گر چه جمعى به گونه مطلق (چه با آرايش و چه بدون آن) مجاز مى دانند, ولى در اين صورت بر مردها حرام است نگاه كنند; چنانچه در حال احرام نيز مردها بايد از نگاه آلوده به صورت زنان پرهيز كنند. تا كفاره بر آنها واجب نشود. با وجود اين كه بر زن ها واجب است گردى چهره را باز نگه دارند.

آيه (وَلْيضرِبنَ بِخُمْرِهِنَّ على جُيُوبِهِن ّ)13 تأكيدى است بر پوشش زير گلو و سينه ها, و پوشش دست و چهره را شامل نمى شود, چرا كه (جيب) به معناى گريبان است.

مرحوم حكيم حديثى را از امام رضا( عليه السلام )نقل مى كند كه در آن نگاه به دست و صورت زن تجويز شده است. على بن سويد مى گويد: به حضرت رضا( عليه السلام )عرض كردم: گاهى به نگاه زن زيبايى مبتلا مى شوم كه مرا به اعجاب وا مى دارد. فرمود: يا على لا بأس اذاعرف الله سبحانه من نيتك الصدق;14 اى على! مانعى ندارد, اگر خداى سبحان از قصد و نيت پاك تو آگاه باشد; يعنى اگر نگاهت آلوده و به قصد لذت جنسى نباشد, اشكالى ندارد.

برخى گمان مى كنند كه خواهرزن بر داماد محرم است, در حالى كه اين يك اشتباه است و شايد به اين دليل در برخى از احاديث و استفتاها تصريح شده است كه نامحرم, نامحرم است و ميان خواهرزن, با دخترهاى خاله, عمه, دايى و عمو با جوان بيگانه هيچ گونه امتيازى وجود ندارد. 15 خواهرزن نيز نامحرم است و نگاه داماد به او حرام مى باشد.

نگاه كردن به موى بعضى از زنان, بدون ريبه و قصد لذت, اشكال ندارد: 1 ـ نامحرمان اهل كتاب; 2 ـ روستاييان; 3 ـ زن هاى شهرى بد حجاب كه به نهى از منكر اعتنايى نمى كنند, چون احترام و حرمت خود را شكسته اند; 4 ـ پير زن هاى كهن سال و از كار افتاده. بعضى از خواهران مؤمن و محترم مى گويند بانوانى كه سنى از آنان گذشته و يا جاذبه اى ندارند, لازم نيست خود را به طور كامل از نامحرم بپوشانند, بلكه بايد جوان ها و زنان زيبا خود را از ديد نامحرمان حفظ كنند. پاسخ اين است كه حكم و قانون الهى كليت دارد, مگر اين كه تبصره در قرآن و سنت باز شده باشد كه به موارد آن اشاره كرديم.

آرى, حجاب يعنى مبارزه با مظاهر فساد و بى بند و بارى, و ستيز با فرهنگ برهنگى و بى عفتى. اين پوشش, نشانه فرهنگ و تمدن و استقلال بانوان است, نه مايه عقب ماندگى و ارتجاع. خوش بختانه برخى از متفكران غربى بدين حقيقت دست يافته اند كه حجاب ارزش زن را افزون مى كند. ويل دورانت مى نويسد: (عفت فراوان زن, خادم مقاصد توالد است, زيرا امتناع محجوبانه او كمكى به انتخاب جنس مقابل است. عفت, زن را توانا مى سازد كه با جست و جوى بيشتر, عاشق خود را يعنى كسى را كه افتخار پدرى فرزندان را خواهد داشت, برگزيند.16

پى نوشت ها:

1ـ احزاب (33) آيه 53: (وَ اِذا سَاَلْتُمُوهُنَّ متاعاً فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَراءِ حجاب). اين آيه به زنان پيامبر اختصاص دارد, زيرا آنان احترام و احكام ويژه اى دارند.

2ـ لذات فلسفه, ص 118.

3ـ نور (24) آيه 30.

4ـ علامه حلّى در تذكره و ساير كتاب ها تصريح كرده است.

5ـ كتاب النكاح, مسئله 18.

6ـ يادداشت هاى شهيد مطهرى, ج 3, ص 133.

7ـ المستمسك, ج 5, ص 190.

8ـ نور (24) آيه 31.

9ـ علامه حلّى در تذكره, كتاب الصلوة, بحث لباس نمازگزار اين مطلب را آورده است.

10ـ جواد مغنيه, الفقه على المذاهب الخمسة, ص 113.

11ـ نور (24) آيه 31.

12ـ المستمسك, همان.

13ـ نور (24) همان.

14ـ المستمسك, همان, ص 194.

15ـ البته چون آنان از خويشاوندان هستند, صله رحم با ايشان لازم است و از اين نظر با ديگران تفاوت دارند.

16ـ لذات فسلفه, ص 140.